

به زمامداری در عرصه حقوق بین الملل

عطا الله صالحی

www.ketab.ir

تهران، ۱۳۹۶

- سرشناسه : صالحی، عطاالله، ۱۳۴۷ -
- عنوان و نام پدیدآور : به زمامداری در عرصه حقوق بین‌الملل / عطاالله صالحی.
- مشخصات نشر : تهران: استاد شهریار، ۱۳۹۶.
- مشخصات ظاهری : ۳۲۵ ص.
- شابک : ۸-۵۶-۸۸۲۳-۶۰۰-۹۷۸ : ۳۵۰۰۰۰ ریال
- وضعیت فهرست نویسی : فیبا
- موضوع : حاکمیت
- موضوع : Sovereignty
- موضوع : حقوق بین‌الملل
- موضوع : International law
- رده بندی کنگره : ۹۶۱ ب ۲ ص ۳۲۷ JC
- رده بندی دیویی : ۳۴۰/۱۵
- شماره کتابشناسی ملی : ۱۵۶۰۳۶

www.ketaboo.ir

به زمامداری در عرصه حقوق بین‌الملل

مؤلف: عطاءالله صالحی

ناشر: استاد شهریار

چاپ و صحافی: نسیم

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۶

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۳۵ هزار تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۲۳-۵۶-۸

تلفن تماس: ۰۹۱۲۰۷۷۱۰۶-۸۸۳۶۸۷۲

فهرست مطالب

۱۳	 اختصارات
۱۵	 مقدمه
۲۵	 بخش اول: مبانی، مناسبات و ارتباط به زمامداری در حقوق بین الملل
۲۵	 فصل اول - مبانی نظری به زمامداری
۲۵	 گفتار اول - مفهوم شدائی زمامداری و به زمامداری
۲۶	 بند اول - مفهوم زمامداری
۲۹	 بند دوم - تغییر گفتمان حکومت به زمامداری
۳۴	 بند سوم - مبنای مفهوم زمامداری در سطح بین المللی
۳۵	 بند چهارم - مفهوم به زمامداری
۳۸	 گفتار دوم - مؤلفه های به زمامداری
۴۲	 گفتار سوم - زمینه های پیدایش و گسترش ایده ی به زمامداری
۴۲	 بند اول - به زمامداری به مثابه ی راهبرد توسعه
۴۳	 بند دوم - ترویج به زمامداری توسط سازمان های بین المللی اقتصاد
۴۵	 بند سوم - رواج یافتن به زمامداری در حوزه های مختلف
۴۷	 گفتار چهارم - ضرورت های به زمامداری در عرصه ی حقوق بین الملل
۴۹	 گفتار پنجم - موانع نظری و عملی فراروی به زمامداری
۵۱	 فصل دوم - منزلت کنونی به زمامداری در حقوق بین الملل
۵۱	 گفتار اول - رابطه ی به زمامداری با حقوق بشر
۵۲	 بند اول - حقوق بشر به مثابه ی بعد ماهوی به زمامداری
۵۲	 بند دوم - حقوق بشر به مثابه ی محمل حقوقی به زمامداری
۵۵	 بند سوم - کمک به زمامداری به رعایت حقوق بشر
۵۷	 گفتار دوم - اصل به زمامداری در منابع حقوق بین الملل

- بند اول - آموزه‌های حقوق بین الملل ۵۷
- بند دوم - معاهدات بین المللی ۵۷
- بند سوم - حقوق نرم یا سافت لو ۵۸
- بند چهارم - رویه قضایی بین المللی ۶۴
- گفتار سوم - به زمامداری در سازمان‌های بین المللی ۶۵
- بند اول - رویکرد سازمان‌های بین المللی در قبال به زمامداری ۶۵
- بند دوم - کارکردهای به زمامداری برای سازمان‌های بین المللی ۶۷
- گفتار چهارم - به زمامداری به عنوان یک اصل حقوق بین الملل ۶۹
- بخش دوم - ولفه حکومت قانون در عرصه حقوق بین الملل ۷۱
- فصل اول - بنای حکومت قانون ۷۲
- گفتار اول - مفهوم برداشت هاو محتوای حکومت قانون ۷۲
- بند اول - مفهوم حکومت قانون ۷۳
- بند دوم - برداشت‌های حکومت قانون ۷۴
- بند سوم - انتقال مفهوم حکومت قانون از حقوق داخلی به حقوق بین الملل ۷۷
- بند چهارم: مفهوم حکومت بین المللی قانون ۷۹
- بند پنجم - محتوای حکومت بین المللی قانون ۸۱
- گفتار دوم - مبانی حکومت بین المللی قانون ۸۲
- بند اول - مبانی حقوقی ۸۳
- بند دوم - مبانی اخلاقی حکومت بین المللی قانون ۸۶
- بند سوم - مبانی اجتماعی حکومت (بین المللی) قانون ۸۹
- فصل دوم - بررسی امکان پذیر بودن حکومت بین المللی قانون ۹۳
- گفتار اول - نظر انکارکنندگان حکومت بین المللی قانون ۹۴
- بند اول - عدم استقلال حقوق بین الملل از سیاست ۹۴
- بند دوم - از هم گسیختگی حقوق بین الملل ۹۵
- بند سوم - فقدان یک حکومت جهانی ۹۶
- بند چهارم - فقدان یک دیوان عالی بین المللی ۹۷
- بند پنجم - فقدان سیستم فیصله‌ی اجباری اختلافات ۱۰۰
- بند ششم - فقدان قانون اساسی بین المللی ۱۰۰
- بند هفتم - فقدان قوای قانون گذاری و اجرایی در جامعه‌ی بین المللی ۱۰۱

گفتار دوم - دلایل امکان پذیر بودن حکومت بین‌المللی قانون	۱۰۲
بند دوم - امکان مدیریت از هم گسیختگی حقوق بین‌الملل	۱۰۶
بند سوم - ظرفیت منابع حقوق بین‌الملل برای استقرار حاکمیت قانون	۱۰۸
بند چهارم - شناسایی اصل برابری حاکمیت‌ها در حقوق بین‌الملل	۱۱۱
بند پنجم - ظرفیت دیوان بین‌المللی دادگستری برای استقرار حاکمیت قانون	۱۱۲
فصل سوم - حکومت قانون در نهادهای بین‌المللی	۱۱۵
گفتار اول - جایگاه حکومت قانون، در سازمان‌های بین‌المللی	۱۱۵
گفتار دوم - تصریح کلی حکومت قانون، در سازمان ملل متحد	۱۱۶
گفتار سوم - حکومت قانون و مسئله‌ی تفسیر منشور سازمان ملل متحد	۱۲۰
گفتار چهارم - حکومت قانون، در شورای امنیت	۱۲۳
بند اول - اصل برابری در شورای امنیت	۱۲۳
بند دوم - محدودی‌های انحرافات شورای امنیت	۱۲۵
بند سوم - اقدامات شبه قضایی شورای امنیت	۱۲۶
بند چهارم - اقدامات شبه قضایی شورای امنیت	۱۲۷
بند پنجم - عدم رعایت حقوق افراد توسط شورای امنیت	۱۲۷
بند ششم - حمایت شورای امنیت از حکومت قانون	۱۲۸
گفتار پنجم - حکومت قانون، در دیوان‌های کیفری بین‌المللی	۱۲۹
بخش سوم: مؤلفه پاسخگویی در عرصه‌ی حقوق بین‌الملل	۱۳۱
فصل اول - بنیاد نظری پاسخگویی	۱۳۲
گفتار اول - مفهوم و محتوای پاسخگویی	۱۳۲
بند اول - مفهوم پاسخگویی	۱۳۲
بند دوم - محتوای پاسخگویی	۱۳۳
بند سوم - مفهوم پاسخگویی از منظر حقوق دانان بین‌المللی	۱۳۴
بند چهارم - مفهوم پاسخگویی حقوقی بین‌المللی	۱۳۵
گفتار دوم - اشکال پاسخگویی	۱۳۵
گفتار سوم - سازکارهای پاسخگویی	۱۳۶
بند اول - سازکارهای حقوقی	۱۳۶
بند دوم - سازکارهای سیاسی	۱۳۷
بند سوم - پاسخگویی اداری	۱۳۸

- بند چهارم - سایر سازکارهای پاسخگویی ۱۳۸
- گفتار چهارم - سطوح پاسخگویی ۱۳۹
- گفتار پنجم - پاسخگویی دموکراتیک در حقوق بین الملل ۱۴۰
- گفتار ششم - شاخص های پاسخگویی سازمان های بین المللی ۱۴۱
- بند اول - کنترل سازمان توسط اعضا ۱۴۱
- بند دوم - دسترسی به اطلاعات ۱۴۴
- بند سوم - سایر شاخص های پاسخگویی سازمان های بین المللی ۱۴۵
- گفتار هفتم - مخاطبان پاسخگویی ۱۴۶
- بند اول - مخاطبان پاسخگویی در قرائت سنتی پاسخگویی ۱۴۶
- بند دوم - مخاطبان پاسخگویی در قرائت جدید پاسخگویی ۱۴۷
- بند سوم - پاسخگویی به بازیگران غیردولتی ۱۴۷
- گفتار هشتم - مبنای، کارکرد و ضرورت پاسخگویی ۱۴۹
- بند اول - مبنای پاسخگویی ۱۴۹
- بند دوم - کارکردهای پاسخگویی ۱۵۰
- بند سوم - ضرورت وجود پاسخگویی ۱۵۱
- گفتار نهم - اهداف پاسخگویی ۱۵۱
- گفتار دهم - تحقق پاسخگویی از مجرای نظام حقوقی مسئولیت ۱۵۲
- بند اول - رابطه ای میان مسئولیت با پاسخگویی ۱۵۲
- بند دوم - عدم کفایت مسئولیت برای تحقق پاسخگویی در عرصه حقوق بین الملل ۱۵۴
- بند سوم - محدودیت های نظام حقوقی مسئولیت ۱۵۵
- فصل دوم - پاسخگویی تابعان حقوق بین الملل ۱۵۵
- گفتار اول - پاسخگویی سازمان های بین المللی ۱۵۶
- بند اول - مبنای پاسخگویی سازمان های بین المللی ۱۵۶
- بند دوم - تلاش کمیته ی پاسخگویی سازمان های بین المللی ۱۵۷
- بند سوم - سطوح و اشکال پاسخگویی سازمان های بین المللی ۱۵۸
- بند چهارم - پاسخگویی مدیریتی و سیاسی سازمان های بین المللی ۱۶۰
- بند پنجم - طلب کنندگان پاسخگویی سازمان های بین المللی ۱۶۰
- بند ششم - محدودیت های پاسخگویی سازمان های بین المللی ۱۶۲
- بند هفتم - پاسخگویی در سازمان ملل متحد ۱۶۳

گفتار دوم - پاسخگویی سایر تابعان حقوق بین الملل و پیامد پاسخگویی تابعان این نظام	
حقوقی.....	۱۷۶
بند اول - پاسخگویی دولت‌ها.....	۱۷۶
بند دوم - پاسخگویی افراد و شرکت‌های فراملی.....	۱۸۱
بند سوم - پیامدهای پاسخگویی تابعان حقوق بین الملل.....	۱۸۴
بخش چهارم: مؤلفه مشارکت در عرصه‌ی حقوق بین الملل.....	۱۹۱
فصل اول - مفهوم، مبانی و مضمون نظری مشارکت.....	۱۹۲
گفتار اول - تعریف و مفهوم مشارکت.....	۱۹۳
بند اول - تعریف مشارکت.....	۱۹۳
بند دوم - مفهوم مشارکت عمومی.....	۱۹۴
بند سوم - مفهوم مشارکت شهروندان در زمامداری جهانی.....	۱۹۶
بند چهارم - مفهوم مشارکت سیاسی.....	۱۹۶
گفتار دوم - مبانی مشارکت.....	۱۹۷
بند اول - ارزش‌های بنیادی مشارکت.....	۱۹۷
بند دوم - ضرورت و اهمیت مشارکت.....	۱۹۸
بند سوم - مبانی حقوقی مشارکت.....	۲۰۰
بند چهارم - پیش شرط‌های مشارکت.....	۲۰۶
بند پنجم - سایر مبانی مشارکت در عرصه‌ی حقوق بین الملل.....	۲۰۷
بند ششم - تضاد نظریه‌ی وابستگی با مشارکت.....	۲۱۱
گفتار سوم - مضمون نظری مشارکت در عرصه‌ی حقوق بین الملل.....	۲۱۱
بند اول - فاعلان مشارکت در عرصه‌ی حقوق بین الملل.....	۲۱۱
بند دوم - سطوح مشارکت.....	۲۱۸
فصل دوم - روند مشارکت در عرصه‌ی حقوق بین الملل.....	۲۱۹
گفتار اول - وضعیت مشارکت دموکراتیک در حقوق بین الملل.....	۲۱۹
بند اول - مشارکت دموکراتیک دولت‌ها در حقوق بین الملل.....	۲۱۹
بند دوم - مشارکت دموکراتیک شهروندان در حقوق بین الملل.....	۲۲۱
گفتار دوم - مشارکت در شکل‌گیری منابع حقوق بین الملل.....	۲۲۲
بند اول - در دوران گذشته.....	۲۲۲
بند دوم - در زمان حاضر.....	۲۲۳

۲۲۴.....	گفتار سوّم - مشارکت از طریق پیوستن به معاهدات بین‌المللی
۲۲۴.....	بند اول - معاهدات بسته
۲۲۴.....	بند دوم - معاهدات باز
۲۲۵.....	بند سوم - معاهدات چند جانبه‌ی عام
۲۲۶.....	بند چهارم - اساسنامه‌ی سازمان‌های بین‌المللی
۲۲۶.....	گفتار چهارم - روند مشارکت سازمان‌های غیردولتی در عرصه‌ی حقوق بین‌الملل
۲۲۶.....	بند اول - مشارکت در کنفرانس صلح پاریس ۱۹۱۹
۲۳۰.....	بند دوم - مشارکت سازمان‌های غیردولتی در نهادهای بین‌المللی حل اختلافات
۲۳۴.....	بند سوم - مشارکت سازمان‌های غیردولتی در اجرای حقوق بشردوستانه
۲۳۵.....	بند چهارم - مشارکت سازمان‌های غیردولتی در نظام بین‌المللی حقوق بشر
۲۳۸.....	بند پنجم - مشارکت سازمان‌های غیردولتی در حقوق بین‌الملل محیط زیست
۲۴۳.....	بند ششم - مشارکت سازمان‌های غیردولتی در فعالیت‌های شورای اقتصادی و اجتماعی
۲۴۶.....	گفتار پنجم - عوامل مؤثر بر گسترش مشارکت در حقوق بین‌الملل
۲۴۶.....	بند اول - نقش آیین‌های رای‌گیری در گسترش مشارکت
۲۴۸.....	بند دوم - نقش جهانی شدن در گسترش مشارکت
۲۵۰.....	گفتار ششم - مشکلات پیش روی گسترش مشارکت در عرصه‌ی بین‌المللی
۲۵۳.....	بخش پنجم: مؤلفه شفافیت در عرصه‌ی حقوق بین‌الملل
۲۵۳.....	فصل اول - تعاریف، مفاهیم و مبانی شفافیت
۲۵۳.....	گفتار اول - تعاریف شفافیت
۲۵۵.....	گفتار دوّم - مفاهیم و محتوای شفافیت
۲۵۵.....	بند اول - هسته‌ی مفهوم شفافیت
۲۵۵.....	بند دوم - مفهوم شفافیت یک نظام حقوقی
۲۵۶.....	بند سوم - مفهوم شفافیت در عرصه‌ی حقوق بین‌الملل
۲۵۷.....	بند چهارم - محتوای شفافیت
۲۵۸.....	گفتار سوّم - مبانی نظری شفافیت
۲۵۸.....	بند اول - مؤلفه‌های شفافیت
۲۶۵.....	بند دوم - شرایط اثربخشی شفافیت
۲۶۶.....	بند سوم - اهمیت و ضرورت شفافیت
۲۶۷.....	بند چهارم - اتفاق نظر در لزوم شفافیت

بند پنجم - همبستگی شفافیت با سایر ارکان به زمامداری	۲۶۸
فصل دوم - وضعیت جاری شفافیت در عرصه حقوق بین الملل	۲۷۰
گفتار اول - کارکردهای شفافیت در عرصه حقوق بین الملل	۲۷۰
گفتار دوم - اصل شفافیت در حوزه‌های مختلف حقوق بین الملل	۲۷۱
بند اول - شفافیت در عرصه منابع حقوق بین الملل	۲۷۱
بند دوم - اصل شفافیت در عرصه حقوق بین الملل اقتصادی	۲۷۴
بند سوم - شفافیت و جنبه‌های تاریک اقتصاد جهانی	۲۷۵
بند چهارم - مفهوم شفافیت در حقوق بین الملل اقتصادی	۲۷۶
بند پنجم - شفافیت در نظام تجارت بین الملل	۲۷۷
بند ششم - شناسایی نقش تفسیری اصل شفافیت در حقوق بین الملل اقتصادی	۲۷۹
بند هفتم - شفافیت در عرصه حقوق بین الملل سرمایه‌گذاری	۲۸۰
بند هشتم - شناسایی نقش تفسیری اصل شفافیت در حقوق بین الملل سرمایه‌گذاری	۲۸۴
بند نهم - اصل شفافیت در عرصه حقوق بین الملل محیط زیست	۲۸۵
بند دهم - اصل دسترسی به اطلاعات در "معاهده‌ی مشارکت عمومی در سازمان‌های بین‌المللی"	۲۸۷
بند یازدهم - ضرورت شفافیت در حوزه حقوق بشر	۲۸۸
بند دوازدهم - اصل شفافیت در حوزه خلع سلاح و کنترل تسلیحات	۲۹۰
گفتار سوم - شفافیت در سازمان‌های بین‌المللی	۲۹۳
بند اول - ضرورت شفافیت در سازمان‌های بین‌المللی	۲۹۴
بند دوم - شفافیت در سازمان ملل متحد	۲۹۴
بند سوم - شفافیت در اتحادیه اروپا	۲۹۹
بند چهارم - اصل شفافیت در نظام کشورهای مشترک المنافع	۲۹۹
بند پنجم - شفافیت در بانک جهانی	۳۰۰
گفتار چهارم - سازمان شفافیت بین الملل	۳۰۲
گفتار پنجم - شفافیت شرکت‌های فراملی بر مبنای مقررات ارشادی سازمان همکاری و توسعه اقتصادی	۳۰۳
گفتار ششم - نقش بایگانی‌ها در تقویت شفافیت	۳۰۴
بند اول - ارزش بایگانی‌ها	۳۰۴
بند دوم - روند حمایت سازمان‌های بین‌المللی از بایگانی‌ها	۳۰۵

- گفتار هفتم - موانع پیش روی شفافیت در عرصه‌ی بین‌المللی ۳۰۶
- بند اول - موانع سیاسی ۳۰۶
- بند دوم - موانع فنی، مالی و نیروی انسانی ۳۰۷
- بند سوم - موانع امنیتی ۳۰۷
- گفتار هشتم - روند فعلی شفافیت در جامعه‌ی بین‌المللی ۳۰۸
- گفتار نهم - جهانی شدن و شفافیت ۳۰۹
- گفتار دهم - پیامدهای شفافیت در عرصه‌ی حقوق بین‌الملل ۳۱۰
- بند اول - پیامدهای منفی عدم شفافیت ۳۱۰
- بند دوم - پیامدهای مثبت شفافیت ۳۱۰
- نتیجه‌گیری ۳۱۳

"به زمامداری و توسعه، تفکیک‌ناپذیرند. این درسی است که ما از همه‌ی تلاش‌ها و تجربیات خود در آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین گرفته‌ایم. بدون به زمامداری تخصیص بودجه و دریافت کمک‌های مالی با هر مبلغی نمی‌تواند ما را در مسیر رفاه و بهروزی، قرار دهد".
(دبیر کل سازمان ملل در کنفرانس زمامداری برای توسعه پایدار و عدالت، ۱۹۹۷)

مقدمه

واژه‌ی زمامداری، حداقل به اندازه‌ی واژه‌ی حکومت قدمت دارد. از زمان شکل‌گیری نخستین حکومت در تاریخ، جستجو برای یافتن نظام مطلوب زمامداری، جریان داشته است. اما این بانک جهانی بود که مفهوم به زمامداری، را با قراردادن آن به عنوان پیش شرط اعطای وام به کشورها، در سطح گسترده و سیاست تازه‌ای، دوباره مطرح ساخت. به دلیل ضعف ساختارهای حکومتی و اجتماعی در برخی کشورها، برنامه‌ی تعدیل ساختاری که از سوی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، پیشنهاد شده بود، با شکست مواجه شد. بانک جهانی در گزارش سال ۱۹۸۹ خود، این مسئله پرداخت که چرا برنامه‌های تعدیل ساختاری در این کشورها، در ایجاد رشد و توسعه پایدار توفیقی نداشته‌اند، نویسندگان گزارش ناکامی سیاست‌های تعدیل ساختاری و همچنین بحران اقتصادی آفریقا را، ناشی از بحران زمامداری ارزیابی نمودند.

از آنجاکه بحث زمامداری نخست در ارتباط با بحث توسعه‌ی اقتصادی مطرح شده بود، ابعاد و رنگ اقتصادی بیشتری داشت. اما در مفاهیم زمامداری و به زمامداری، ظرفیت‌هایی دیده شد که موجب استقبال از آنها در عرصه‌های دیگر گردید. درکنار قرار گرفتن به زمامداری به عنوان شرط اعطای وام از سوی برخی نهادهای مالی بین‌المللی، احترام به این مفهوم به عنوان پیش شرط انجام سرمایه‌گذاری خارجی نیز، مطرح شد.

بحث در مورد زمامداری در چارچوب اتحادیه‌ی اروپا نیز، منتهی به انتشار کتاب سفید^۱ زمامداری اروپایی شد که در ژوئیه‌ی ۲۰۰۱ توسط کمیسیون اروپا، انتشار یافت. در عرصه‌ی مدیریت و برنامه‌ریزی شهری نیز، زمامداری جای خویش را در قالب مفهوم زمامداری شهری^۲ باز نمود. در عرصه‌ی اداره شرکت‌ها نیز، مبحث زمامداری شرکتی مطرح شد. استقبال از اندیشه‌ی به زمامداری، در واقع پاسخی به بحران زمامداری در عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی بود.

عرصه‌ی حقوق بین‌الملل نیز، یکی از عرصه‌های زندگی اجتماعی است که با بحران زمامداری مواجه می‌باشد. حقوق بین‌الملل جدید که حیات آن با تصویب منشور ملل متحد، آغاز شده، از بدو تولدش با مسئله‌ی جنگ میان اسرائیل و فلسطینی‌ها مواجه بوده است. علی‌رغم آنکه این جنگ در کنار نقض مداوم حقوق بشر، هزینه‌های بسیار سنگینی بر جامعه‌ی بین‌المللی تحمیل نموده، حقوق بین‌الملل هر چند از دامنه و شدت آن کاسته، اما هنوز موفق نشده، حل آن نهایی، نشده است. صدها میلیون نفر از مردم جهان همچنان اسیر فقر، بیماری‌های مسری و کمبود امکانات بهداشتی و رفاهی اولیه می‌باشند، اما حقوق بین‌الملل، در انتظار، موقت به بسیج نیروها و امکانات موجود برای رهایی آنها نشده است. در دارفور، سودان، تمامی زمینه‌ها و مبانی حقوقی و اخلاقی برای اقدام حقوق بین‌الملل در حل بحران فراهم است اما حقوق بین‌الملل تاکنون از اقدام اساسی ناکام مانده است. در بحران عراق نیز، حقوق بین‌الملل، با دو شکست مواجه شد. نخست آنکه سازکارهای این نظام حقوقی موفق نشدند، علی‌رغم صدور ۱۷ قطعنامه‌ی شورای امنیت، دولت عراق را وادار به رعایت خواسته‌های جامعه‌ی بین‌المللی نمایند. دوم اینکه حقوق بین‌الملل و نهادهای آن نتوانستند، مانع حمله آمریکا و متحدانش به عراق شوند. قطعنامه‌هایی که شورای امنیت، در راستای تأمین صلح و امنیت بین‌المللی بر علیه برخی کشورها، نظیر کره‌ی شمالی، عراق و لیبی صادر نموده است، مردم این کشورها، را از حقوق اقتصادیشان محروم نموده است و تا

۱. کتاب سفید، به کتابی گفته می‌شود که حکومت یک کشور جهت تشریح یا اعلام بعضی مسائل، منتشر می‌کند.

کنون جان ده‌ها هزار انسان بی گناه را، گرفته است. در این موارد دو هدف حقوق بین‌الملل یعنی تأمین صلح و امنیت بین‌المللی و تضمین حقوق بشر، در مقابل هم قرار گرفته‌اند. در این مورد حقوق بین‌الملل که مانند هر نظام حقوقی دیگر هدف نهایی اش تأمین سعادت نوع بشر است، خودش موجب نقض گسترده‌ی حقوق بشر شده است.

از زمان تصویب مهم‌ترین سند حقوقی بین‌المللی، یعنی منشور ملل متحد، بیش از نیم قرن می‌گذرد. با اینکه این سند و به تبع آن خود حقوق بین‌الملل، از جامعه‌ی بین‌المللی بسیار عقب افتاده‌اند و علی‌رغم تأکید همه‌ی اعضای جامعه‌ی بین‌المللی بر ضرورت اصلاح منشور، حقوق بین‌الملل، موفق به اصلاح و روزآمد کردن مهم‌ترین سند خودش، نشده است. حتی در این سند امروز هم اصلاح شود هیچ تضمینی وجود ندارد چند دهه بعد دوباره این سند از حولات جامعه بین‌المللی عقب نیفتد و راه اصلاح آن، دوباره مانند امروز، مسدود نشود. بنابراین حقوق بین‌الملل علاوه بر مؤثر واقع شدن و موفقیت‌های چشم‌گیرش در بسیاری از حوزه‌ها، در برخی حوزه‌ها نیز از منظر زمامداری، با بحرانی اساسی روبرو است. بحرانی که این نظام حقوقی را واداشته، بعضاً بر عصای قدرت‌های بزرگ، تکیه بزند.

از آنجا که رسالت سنگین حفظ صلح، کرامت انسانی و تضمین حقوق اساسی تمامی افراد در سراسر گیتی، برعهده‌ی این نظام حقوقی گذاشته شده است، ضرورت دارد نحوه‌ی زمامداری در عرصه‌ی این نظام حقوقی، مورد بازبینی قرار گیرد. در این مسیر، اندیشه‌ی به زمامداری، تا کنون بیشترین ظرفیت را، خود نشان داده است. کارایی و اثر بخشی اندیشه‌ی به زمامداری در سایر حوزه‌های اجتماعی این امر را به وجود آورده تا در پرتو این اندیشه روحی تازه در کالبد حقوق بین‌الملل دمیده شود. روحی که در تعامل دایم با جامعه‌ی بین‌المللی باشد و با بازنگری در ساختارها و مبانی حقوق بین‌الملل موجبات خود اصلاحی و خود بازبینی مدام حقوق بین‌الملل را، فراهم نماید. به زمامداری، اساساً ماهیتی تکامل‌جو و کمال طلب دارد. ماهیت تکامل‌خواهی سبب می‌شود تا این نوع زمامداری، عامل تغییر و تحول، شکل دادن به تحول و تکاپو برای تحقق اندیشه‌های تحول‌جویانه باشد.

به زمامداری، تلاشی آگاهانه برای ایجاد تکان در بنیان‌های حیات اقتصادی و

سیاسی جامعه‌ی بین‌المللی، با هدف افزایش کیفیت زندگی بهتر و انسانی و تعدد عرصه‌ی حق انتخاب است. بنابراین تلاشی با این کیفیت، نمی‌بایستی محدود به جوامع داخلی بشود، بلکه بایستی در سطح جامعه بین‌المللی و از مجرای حقوق بین‌الملل، دنبال شود. زیرا حقوق بین‌الملل، چارچوبی برای اقدام دسته جمعی در رویارویی با چالش‌های مشترک است.

ذکر اوصاف "به زمامداری در عرصه‌ی حقوق بین‌الملل" همانند ذکر اوصاف دموکراسی، امری ساده است. اما آیا اندیشه‌ی به زمامداری در این عرصه، اندیشه‌ای عملی و حقیقت‌پذیر است یا مانند اندیشه‌ی دموکراسی، پیاده نمودن آن در عرصه حقوق بین‌الملل با موانع اساسی روبرو می‌باشد؟ در جامعه‌ی بین‌الملل که میدان عمل حقوق بین‌الملل است هنوز ایده‌های دولت جهانی و شهروندی جهانی، شکل نگرفته‌اند که بتوان از مجرای آنها، دموکراسی را پیاده نمود. امکان برگزاری انتخاباتی سراسری، برای برگزیدن مسئولین نهادهای بین‌المللی نیز، منتفی است. دموکراسی، فضائل و پیامدهای مثبت بسیار دارد، ولی ساختارها مبنای فعلی جامعه‌ی بین‌المللی، راه پیاده نمودن دموکراسی در عرصه‌ی حقوق بین‌الملل را سد نموده‌اند. در نظام حقوقی که افراد، تابعان منفعل آن محسوب می‌شوند، چگونه می‌توان اندیشه دموکراسی را که افراد پایه و بنیان آن می‌باشند، عملی نمود؟

در خصوص به زمامداری نیز، این سوال مطرح است که آیا در عرصه‌ی حقوق بین‌الملل، اندیشه‌ی به زمامداری، اساساً قابل پیاده شدن است یا نه؟ این سؤال که مهم‌ترین مسئله در خصوص به زمامداری در عرصه‌ی حقوق بین‌الملل است، سؤال محوری این رساله است. آیا ساختارها و تشکیلات زمامداری در جامعه‌ی بین‌المللی و نوع روابط میان تابعان حقوق بین‌الملل، به گونه‌ای هست که بتوان سوازی و معیارهای به زمامداری را، بر آنها پیاده نمود؟ آیا مبنای و ساختارهای حقوق بین‌الملل با مبنای و ساختارهای مورد نظر اندیشه‌ی به زمامداری، سازگار می‌باشند؟

هر چند که اندیشه‌ی دموکراسی در شرایط کنونی در عرصه‌ی حقوق بین‌الملل قابل تحقق نیست و منابع حقوق بین‌الملل و اقدامات اجرایی آن نمی‌توانند محصول نهادها و فرآیندی دموکراتیک باشند، با این وجود، حقوق بین‌الملل تلاش دارد دولت‌ها را، وادار به رعایت سازکارهای دموکراسی نماید. یعنی هر چند دموکراسی را، نمی‌توان در سطح

جامعه بین‌المللی پیاده نمود ولی از آنجا که می‌توان آن را در درون واحدهای تشکیل دهنده این جامعه، یعنی در داخل کشورها، پیاده نمود، از منظر حقوق بین‌الملل، دولت‌ها ملزم به تلاش در این جهت هستند. به زمامداری نیز همانند دموکراسی، اندیشه‌ای است که در داخل کشورها قابل تحقق است، بنابراین در ارتباط با به زمامداری، سؤال دیگری نیز مطرح می‌شود. آیا دولت‌ها از منظر حقوق بین‌الملل، ملزم به پیاده نمودن به زمامداری در درون کشور خودشان می‌باشند یا خیر؟ البته سؤالات فرعی دیگری نیز مطرح است. نظیر اینکه: آیا با توجه به تعاریف مختلفی که از زمامداری و به زمامداری، در حوزه‌های مختلف شده است، واژه‌های زمامداری و به زمامداری، در عرصه‌ی حقوق بین‌الملل، چه معنایی دارند؟ عناصر و مؤلفه‌های به زمامداری در این عرصه چه می‌باشند؟ کارکرد و پیامد آنها در عرصه، حقوق بین‌الملل چیست؟ آیا به زمامداری در این عرصه، هیچ گونه محمل حقوقی، پیدا کرده است؟ آیا حق بر به زمامداری در حقوق بین‌الملل مکتب یافته است؟ وضعیت نسبت به مؤلفه‌های آن چگونه است؟ وضعیت جاری سازمان ای بی‌المللی در ارتباط با این مؤلفه‌ها، چگونه است و چه نقاط ضعف و قوتی از این منظر دارند؟ آیا مؤلفه‌های اصلی به زمامداری یعنی حکومت قانون، مشارکت، شفافیت و پاسخگویی، قابل تعیبه شدن بر روی این نظام حقوقی می‌باشند؟

پاسخ فرضی و البته مقدماتی این رساله، به سؤال محدود می‌شود به تحقق پذیر بودن به زمامداری در عرصه‌ی حقوق بین‌الملل این است که از آنجا که به زمامداری در نظام حقوق داخلی کشورها، قابل اعمال است، بنابراین در عرصه‌ی بین‌الملل نیز، قابل تحقق است. زیرا به نظر نمی‌رسد، تفاوت‌های بین جوامع ملی و جامعه بین‌المللی به گونه‌ای باشد که نتوان اندیشه به زمامداری را که در جوامع ملی امکان پیاده نمودن آن ثابت شده، را در جامعه بین‌المللی نیز پیاده نمود. در خصوص به زمامداری، برخلاف دموکراسی، وجود شهروندانی جهانی و امکان برگزاری انتخاباتی سراسری، پیش شرط آن نمی‌باشند. تقویت اخیر مؤلفه‌های اصلی به زمامداری یعنی شفافیت، مشارکت، پاسخگویی و حکومت قانون در برخی از عرصه‌های حقوق بین‌الملل، نظیر معاهدات بین‌المللی، تجارت بین‌الملل، محیط زیست و توسعه، می‌تواند مبین عملی بودن اندیشه‌ی به زمامداری در عرصه‌ی حقوق بین‌الملل باشد.